

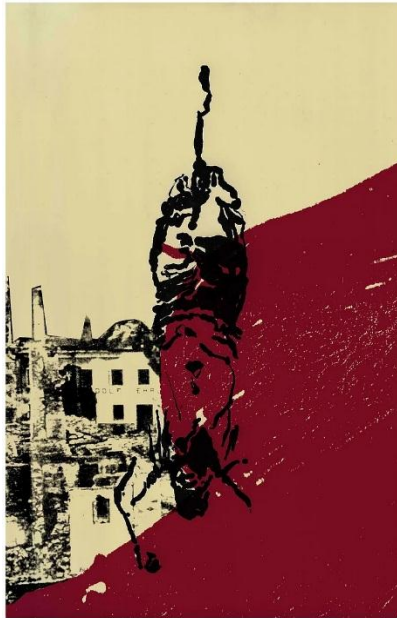
# ترامپ یا ورشکستگی جهانی نولیبرالیسم پیشرو

تئاتر اقتصادی

آلبرتو توسکانو



ترجمه‌ی ساسان صدقی‌نیا



Ivan Bedeschi, Totalitarianism

توضیح: شکست پرتنین دموکرات‌ها و بازگشت ترامپ نشان می‌دهد خیزش جهانی سیاست ارتجاعی را نمی‌توان پدیده‌ای گذرا تلقی کرد. در عین حال این سیاست تنها یک اتفاق ناخوشایند نیست و بر ضرورت میرم تحلیلی عمیق تأکید دارد تا بتوانیم دریابیم چرا به این نقطه رسیده‌ایم و لذا چگونه می‌توان این مسیر را معکوس کرد. آلبرتو توسکانو نویسنده‌ی کتاب روشنگرانه‌ی «فاشیسم متأخر: نژاد، سرمایه‌داری و سیاست بحران»، منشأ ترامپسیسم را در شکست سیاست «نولیبرالیسم پیشرو» شناسایی می‌کند، سیاستی که از امانوئل مکرون به کامالا هریس رسیده است. او نتیجه می‌گیرد سیاست ضدفاشیستی را نمی‌توان به اشاره‌ی مستمر به وجود فاشیسم در رقیب محدود کرد بلکه مستلزم ساختن منطقی متفاوت از منطق محاسبات انتخاباتی است.<sup>۱</sup>

شکست پرتنین کامالا هریس و پیروزی ترامپ که بنیامین نتانیاهو و ویکتور اوربان از آن به‌عنوان یک بازگشت سیاسی تاریخی استقبال کردند،<sup>۲</sup> هرگونه امیدی را نسبت به این ایده که ظهور جهانی سیاست ارتجاعی پدیده‌ای گذرا است از بین می‌برد. کمپین انتخاباتی دموکرات‌ها که تصدیق تداوم بی‌قیدوشرط کلینتون، اواما و بایدن بود در مقابل نامزد سرزنده‌ای که بیش از دور قبلی انتخابات با اتهامات فاشیستی روبرو بود، فروپاشید. تیراندازی یک هم‌حزبی، اشاره و بازی با واژه‌ی دیکتاتوری، ابراز همدردی برای ژنرال‌های دوران هیتلر،<sup>۳</sup> کارناوال نفرت‌پراکنی نژادی در «مدیسون اسکوئر گاردن» و مهم‌تر از همه اعلام اخراج دسته‌جمعی مهاجران به‌عنوان هدف اصلی سیاست انتخاباتی ترامپ، مانع از این فروپاشی نشد. در برابر این واقعیت که فرایند دموکراتیک بر آن صحنه گذاشته یا آنچه که بسیاری تهدیدی برای دموکراسی آمریکا تشخیص داده‌اند، چه باید اندیشید؟

طبق معمول کارشناسان علت این وضع را به گردن گروه‌های جمعیتی خاص می‌اندازند و آن‌ها را سرزنش می‌کنند. در این گفتار ناخودآگاه و تکراری، سوءنیت و خطای زیادی برای قضاوت وجود دارد. در حالی که مسلماً روندهای روشن در آرای

گروه‌های جنسیتی، نژادی، طبقاتی یا دسته‌هایی برحسب درآمد و تحصیلات، شایسته‌ی مطالعه‌ی دقیق هستند (برای مثال پیروزی ترامپ در میان رأی‌دهندگان کم درآمد و موفقیت هریس در میان افراد مرفه)، اما این که بی‌درنگ از ما خواسته می‌شود به کاریکاتورهای دو بُعدی سوپزکتیویته توجه کنیم، گیج‌کننده است: «مردان لاتین تبار»، «مردان سیاه‌پوست»، «زنان سفیدپوست دانشگاهی» و غیره. فرآیند انتخابات ذاتاً متمایز شده است. برخلاف سایر اشکال کنش سیاسی مانند تظاهرات، قانون‌گذاری، شورش یا حتی مبارزات انتخاباتی - ما به‌عنوان گروه رأی نمی‌دهیم. همان‌طور که ژان پل سارتر فیلسوف فرانسوی مشاهده کرد، عمل رأی دادن به خودی خود نمونه‌ای از کنش جمعی نیست بلکه بخشی از یک بُعد «زنجیره‌ای» است: از این رو فرآیند انتخابات قرابت عمیقی با آمار و بازاریابی دارد.

شکی نیست که اشکال کنش جمعی و تشکیل گروه حول رأی دادن شکل می‌گیرد مانند شعار «عظمت را به آمریکا بازمی‌گردانیم» (MAGA) ((Great Again که جهانی از طرفداران و تماشاگران منفعل اما در عین حال یک جنبش سازمان‌یافته و پیچیده است که مجموعه‌ای از نهادها، از محله‌ها تا پادکست‌ها، از بنیادها تا هیئت‌مدیره‌ها را در بر می‌گیرد. همان‌طور که خیزش دموکراتیک در میان رأی‌دهندگان عرب-آمریکایی و فلسطینی-آمریکایی در سایه‌ی یک نسل‌کشی تحت حمایت ایالات متحده در غزه نشان می‌دهد، این‌ها نه فقط مقوله‌های سرشماری بلکه هویت‌های سیاسی هم هستند و انحراف انتخاباتی آن‌ها نوعی کنش است. همین امر را می‌توان برای رأی‌دهندگان جوانی که توسط جنبش طرفدار فلسطین در دانشگاه‌های ایالات متحده سیاسی شده‌اند، فرض کرد. از کنار گذاشتن جنبش آرای عدم تعهد<sup>f</sup> Uncommitted از مجمع ملی حزب دموکرات گرفته تا فرستادن بیل کلینتون به ایالت میشیگان برای دروغ‌گویی درباره‌ی «سپر انسانی» و باوه‌گویی درباره‌ی ریشه‌های باستانی اسرائیل در منطقه «یهودا و سامره»،<sup>g</sup> به جرأت می‌توان گفت که اینها هویت‌ها و نگرانی‌های سیاسی جمعی بودند که دموکرات‌ها نمی‌خواستند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند حتی زمانی که تحلیل‌ها نشان می‌داد که این کار ممکن است باعث از دست دادن ایالت‌های چرخشی شود.<sup>h</sup> هانا آرنت زمانی گفت: «کسانی که شر کوچک‌تر را انتخاب

می‌کنند، خیلی زود فراموش می‌کنند که شر را انتخاب کرده‌اند» اما امروز برای بسیاری این فراموشی کار آسانی نیست لذا انجام این انتخاب بسیار دشوارتر است.

با این حال به همان اندازه که همدستی تزلزل‌ناپذیر دموکرات‌ها با تجاوز اسرائیل تعیین‌کننده و آسیب‌زا بوده اما شکست در این ابعاد حکایت از چیزی گسترده‌تر دارد. این شکست فقط یک مسأله‌ی استراتژیک نیست- چه کسی واقعا فکر می‌کرد تعداد کافی رأی‌دهنده‌ی سفیدپوست در حومه‌ی شهرها وجود دارد که حمایت دیک چنی جمهوری خواه از کامالا هریس را نوعی پیمان‌شکنی بدانند؟- بلکه دیدگاهی سیاسی (یا فقدان دیدگاهی سیاسی) است که هریس نماینده‌ی آن است. همان‌طور که «اینترسپت» گزارش کرده به‌رغم اینکه هریس حقوق باروری را به یکی از محورهای مبارزات انتخاباتی‌اش تبدیل کرده بود، «تعداد رأی‌دهندگان به حق سقط جنین در تمام ایالت‌هایی که همه‌پرسی استقلال بدن مطرح بود از آرای هریس پیشی گرفت».<sup>۷</sup>

الگوی مشابهی در مورد ابتکارات مربوط به حقوق کارگران<sup>۸</sup> رخ داد، به‌رغم اینکه دموکرات‌ها در هفته‌های اول کمپین از UAW (کارگران متحد خودروسازی) حمایت کردند. احساسی که هنگام مواجهه با ضدانقلاب کابوس‌وار پروژه‌ی ۲۰۲۵<sup>۹</sup> به همان اندازه شجاعانه باشد کمیاب بود. برنامه‌ی هریس حتی مانند برنامه‌ی مبارزاتی مترقی‌تر جو بایدن در سال ۲۰۲۰ نبود، برنامه‌ای که به علت نیاز به جمع‌آوری آرای نزدیک به جنبش برنی سندرز تدارک دیده شده بود. وقتی از هریس در مورد غزه سؤال شد و او مدعی شد که رأی‌دهندگان به قیمت مواد غذایی نیز اهمیت می‌دهند این فقط یک اظهار نظر اخلاقی ناپسند نبود او نتوانست نگرانی‌های اقتصادی واقعی را که چنین نقش برجسته‌ای در شکست دموکرات‌ها ایفا کرد، کاهش دهد. با اعلام این‌که از او نباید انتظار داشت تغییراتی هرچند اندک نسبت به دولت بایدن داشته باشد (غیر از تغییر یکی از اعضای جمهوری خواه کابینه!)، دشوار می‌شد تصور کرد که او چگونه می‌تواند مسیر امیدوارکننده‌تری در زمینه‌ی قیمت مواد غذایی یا نسل‌کشی ترسیم کند. البته ترامپ حتی نیازی به برنامه‌ریزی برای موفقیت نداشت. جای تعجب نیست که او پروژه‌ی ۲۰۲۵ را رد کرد نه به این دلیل که اجرا نمی‌شود، چرا که احتمالاً اجرا خواهد شد. اما چرا قدرت این طرح فاشیستی در نوعی ناهماهنگی ساختاری است؟<sup>۱۰</sup> همان‌طور

که ناقص بودن دیوار مرزی تأثیری روی اثربخشی فریاد هشدار و بیگانه هراسش نداشت، شکست «بزرگ‌ترین عملیات اخراج در تاریخ آمریکا»،<sup>۱۱</sup> احتمالاً همدلی حامیان آن را از بین نمی‌برد. البته نمی‌توان گفت که تلاشی جدی در این راستا انجام نمی‌شود و استیون میلر مخوف در رأس کار نخواهد بود. در هر صورت می‌توان مطمئن بود که هراس روزانه‌ی زندگی افراد بدون اوراق شناسایی، بی‌خانمان‌ها، نژادی‌شده‌ها و بی‌ثبات‌کاران تشدید خواهد شد.

در جامعه‌ای عمیقاً نابرابر که در آن زندگی روزمره‌ی اکثریت مردم گرفتار بی‌ثباتی، اضطراب، بدهی یا تورم است، نیروهای پوپولیسم اقتدارگرا همیشه دارای مزیت هستند. آسیب‌پذیرها مسئول سختی‌های بسیاری معرفی می‌شوند و برخی نخبگان برای حفظ نابرابری روزافزون مورد اتهام قرار می‌گیرند اما این یک بازی قدیمی است که ترامپ پیچ‌وتاب خودش را به آن اضافه کرده است - بخشی از یک مسابقه‌ی کشتی، بخشی از روش‌های تبلیغاتی و بازاریابی، بخشی از رئالیتی‌شو.<sup>۱۲</sup> در ایالات متحده و جاهای دیگر مانند فرانسه با دسیسه‌های انتخاباتی فاجعه‌بار امانوئل مکرون،<sup>۱۳</sup> لیبرالیسم میانه (یا به تعبیر نانسی فریزر نولیبرالیسم پیشرو)<sup>۱۴</sup> (که خود را سنگری در برابر فاشیسم نشان می‌دهد، ثابت می‌کند که چیزی جز این موارد نیست. لیبرالیسم میانه نه تنها به فلاکت اجتماعی که سیاست‌های ارتجاعی از آن تغذیه می‌کنند کمک کرده است (نسبت بالای زندانیان، ماهی‌ی غارتگرانه، جنگ امپریالیستی و کاهش رفاه اجتماعی که همگی پروژه‌های دو حزبی در نیم قرن اخیر بوده‌اند) بلکه به نظر می‌رسد یک برند شکست خورده است. این سیاست با ریشه‌های عمیق خود در زیرساخت‌های سرآمدان دولتی و نهادهای خصوصی و همچنین به وسیله‌ی آنچه آدام توز خودشیفتگی عمیق می‌نامد، حفظ شده است.<sup>۱۵</sup>

این اعتماد به نفس واهی - اعتقاد به اینکه نیرویی تاریخی برای پیشرفت، سلامت عقلانی و خیر است - باعث می‌شود سیاستمدار نخبه‌ی لیبرال به راحتی به سمت پدرسالاری و اهمال‌کاری روان شود.<sup>۱۶</sup> موضعی که ممکن است رأی‌دهندگان آن را توهین‌آمیزتر از خود اهان‌ت بدانند. لیبرالیسم نخبگان در حالی که خود را پادزهر موج فزاینده‌ی فاشیسم می‌داند، راه‌های متعددی را که در آن علت یا عنصر حامی این موج

بوده انکار می‌کند. نقش لیبرالیسم نخبگان در ایجاد شرایط برای ظهور راست افراطی یک داستان قدیمی اما متأسفانه تکرارشونده است: در مقایسه با حریفانی که در برخورد با نوعی ناهماهنگی نظامی راحت‌تر هستند، صحبت در مورد مرزها یا حمایت از بازوهای جنگی، رأی‌دهندگان دموکرات را فرسوده کرده و اجازه‌ی هیچ قدم روبه‌جلویی را نمی‌دهد. همان‌طور که موسولینی یک سال پیش از به دست گرفتن قدرت چنین اعلام کرد، فاشیست‌ها «شجاعت داشتند که همه‌ی دسته‌بندی‌های سیاسی سنتی را در هم بشکنند، ما را به تناوب اشراف و دموکرات، انقلابی و مرتجع، پرولتر و ضد پرولتاریا، صلح‌طلب و ضد صلح می‌خوانند».

یک سیاست ضدفاشیستی به این معنی نیست که حریف را دائماً فاشیست نامید (گاهی شاید بخواهیم از خنثی‌شدن اثرات ناخوشایند این واژه پرهیز کنیم)، بلکه قطعاً باید به منطقی غیر از «محبوبیت آنی» یا محاسبه‌ی انتخاباتی، پایبند باشد. سیاست ضدفاشیستی نه تنها باید راهی بیابد تا ایده‌های رهایی‌بخش را محبوب کند (خوشبختانه بسیاری از آنها از قبل وجود دارند)، بلکه باید آن‌ها را در پروژه‌ای که ریشه در نیازهای زندگی روزمره دارد وارد کند. برای این منظور، لیبرالیسم میانه نه تنها بی‌فایده، بلکه بازدارنده است. این مستلزم فداکاری‌های اخلاقی و سیاسی بی‌پایان در نیروهای چپ و مترقی است. لیبرالیسم حتی به‌عنوان وسیله‌ای مناسب برای نوعی سازش اصلاح‌طلبانه که احتمالاً از سیاست‌های نمایندگی انتظار داریم، عمل نمی‌کند وقتی موضوعاتی مانند گرمایش کره‌ی زمین و نسل‌کشی در دستور کار هستند که بر هستی تأثیر می‌گذارند، تمرکز بر لیبرالیسم دیوانگی است.

پیوند با منبع اصلی:

[\*\*Trump, o della bancarotta globale del progressismo neoliberale\*\*](#)

## یادداشت‌ها

<sup>۱</sup> La versione inglese dell'articolo viene pubblicata su «In These Times».

<sup>۲</sup> <https://www.axios.com/2024/11/06/greatest-comeback-world-leaders-congratulate-trump-on-election-results>

<sup>۳</sup> جان کلی رئیس دفتر سابق دونالد ترامپ در گفت‌وگو با نیویورک تایمز می‌گوید ترامپ ایده‌ی نیاز به «ژنرال‌های آلمانی: را مطرح کرده بود وقتی کلی از او پرسید: مطمئناً منظور شما ژنرال‌های هیتلر که نیست؟ رئیس‌جمهور سابق آمریکا در پاسخ گفت: چرا، منظورم ژنرال‌های هیتلر است به گفته‌ی کلی ترامپ بارها اشاره کرده که هیتلر کارهای خوبی انجام داده است.

<sup>۴</sup> «جنبش عدم‌تعهد» جنبشی مدافع حقوق فلسطینی‌ها است که با تمرکز روی رأی‌دهندگان به‌ویژه مسلمانان در ایالت‌هایی مانند میشیگان، ویسکانسین و پنسیلوانیا با کمپین «هریس را رها کنید» از آن‌ها می‌خواست به‌جای هریس به نامزدهای شخص ثالث رای دهند.

<sup>۵</sup> بیل کلینتون رئیس‌جمهور سابق آمریکا در یک گردهمایی در حمایت از کامالا هریس، نامزد دموکرات ریاست‌جمهوری در میشیگان که ایالت حیاتی برای انتخابات با جمعیت بزرگ مسلمان است گفت که او نگرانی مردم در مورد کشتار در غزه را درک می‌کند اما اسرائیل هیچ چاره‌ای جز تحمیل «خساراتی بزرگ» به غیرنظامیان نداشته است. او ادعا کرد: حماس کاملاً محافظت شده است. اگر شما بخواهید از خود دفاع کنید این حماس است که باعث می‌شود غیرنظامیان را بکشید. کلینتون همچنین در بخش دیگری از ادعاهای خود اعلام کرد اسرائیلی‌ها بودند که ابتدا «در سرزمین مقدس» حضور داشتند که این اظهارات نیز جنجال‌برانگیز شد.

<sup>۶</sup> <https://www.aaiusa.org/library/the-arab-american-vote-2024>

<sup>۷</sup> دیوان عالی آمریکا در تیرماه ۱۴۰۱ پس از حدود نیم‌قرن، حکم تاریخی «رو علیه وید» مبنی بر به رسمیت شناختن حق زنان در قانون اساسی برای سقط جنین یا پایان خودخواسته‌ی بارداری را لغو کرد. با لغو این حکم، قدرت تصمیم‌گیری در رابطه با حق پایان دادن خودخواسته‌ی بارداری پس از هفته‌ی پانزدهم به ایالت‌ها واگذار شد. رأی‌دهندگان آمریکایی در ۱۰ ایالت، همزمان با انتخابات ریاست‌جمهوری، در همه‌پرسی برای بازگرداندن حق سقط جنین به قوانین ایالتی‌شان شرکت کردند. در بسیاری این ایالات آرای موافقان حق سقط جنین از آرای کامالا هریس بالاتر بود حتی در ایالت‌هایی که حق سقط جنین رای نیاورد. جمهوری‌خواهان توانستند به‌طور مؤثر به رأی‌دهندگان این پیام را برسانند که موضوع سقط جنین به ایالت‌ها واگذار شده است. به عبارت دیگر، رأی دادن به حمایت از حقوق سقط جنین در ایالت‌های خودشان، صرف‌نظر از رأی آنها به ریاست‌جمهوری، کافی است و این دو جدا از یکدیگر هستند و آن‌ها قصد ندارند آن‌را در سطح ملی ممنوع کنند. با اعلام این که دونالد ترامپ در واقع ممنوعیت ملی سقط جنین را امضا نمی‌کند جمهوری‌خواهان توانستند بسیاری از زنان را متقاعد کنند

که امنیت و اقتصاد مسائلی هستند که برای آن‌ها بسیار مهم‌تر و مرتبط‌تر است. بنگرید به <https://theintercept.com/2024/11/06/abortion-kamala-harris-trump-election/>

<sup>۸</sup> <https://www.npr.org/2024/11/06/nx-s1-5179848/2024-election-minimum-wage-paid-sick-leave>

<sup>۹</sup> مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های محافظه‌کارانه در جناح راست بنیاد هریتج برای دگرگون کردن حکومت فدرال ایالات متحده و تثبیت قدرت اجرایی در صورت پیروزی نامزد جمهوری‌خواه یعنی دونالد ترامپ است. طرفداران این طرح آن‌را ابزاری برای از بین بردن دیوان‌سالاری گسترده و غیرپاسخ‌گو می‌دانند، منتقدان آن را یک طرح اقتدارگرا و ملی‌گرای مسیحی برای تبدیل ایالات متحده به یک حکومت خودکامه توصیف می‌کنند. بسیاری از کارشناسان حقوقی گفته‌اند که این طرح موجب تضعیف حاکمیت قانون، تفکیک قوا، جدایی کلیسا از دولت و آزادی‌های شهروندی از جمله حقوق مدنی زنان، رنگین‌پوستان و جامعه‌ی ال‌جی‌بی‌تی کیو خواهد شد. گرچه پروژه‌ی ۲۰۲۵ بر اساس قانون نمی‌تواند مبلغ نامزد خاصی در انتخابات ریاست‌جمهوری باشد اما بسیاری از مشارکت‌کنندگان در آن با ترامپ و کمپین انتخاباتی‌اش روابط نزدیک دارند. بنیاد هریتج، یک اندیشکده‌ی همسو با ترامپ، این ابتکار را با گروه‌های محافظه‌کار مختلف که توسط متحدان ترامپ اداره می‌شوند، هماهنگ می‌کند. کمپین ترامپ در ابتدا گفت که این پروژه به‌خوبی با پیشنهادها و دستورکار آن‌ها همخوانی دارد و در آوریل ۲۰۲۴ جان مکنتی، مشاور ارشد پروژه‌ی ۲۰۲۵ گفت که آن‌ها و کمپین ترامپ قصد دارند تا «تعداد زیادی از کارهای ما» را تا تابستان با هم ادغام کنند. با این حال، پیشنهادهای مناقشه‌برانگیز این پروژه به‌طور فزاینده‌ای باعث بروز اصطکاک با کمپین ترامپ شد. در ۵ ژوئیه‌ی ۲۰۲۴ ترامپ به‌طور علنی از پروژه فاصله گرفت. این چند روز پس از آن اتفاق افتاد که کوین رابرتس، رئیس بنیاد هریتج در مصاحبه‌ای پیشنهاد کرد که «انقلاب دومی در آمریکا» رخ خواهد داد که توسط دموکرات‌ها و دیگران به دلیل تهدید خشونت‌آمیز، مورد انتقاد قرار گرفت. این پروژه از لفاظی‌های جنگ‌طلبانه و زبان آخرالزمانی در توصیف یک «طرح نبرد» برای بازپس‌گیری کنترل حکومت استفاده کرده است.

<sup>۱۰</sup> <https://www.ap.org/news-highlights/spotlights/2024/inside-the-weave-how-donald-trumps-rhetoric-has-grown-darker-and-windier/>

<sup>۱۱</sup> <https://www.theguardian.com/us-news/ng-interactive/2024/oct/31/election-trump-immigration-policies>

<sup>۱۲</sup> Reality Show

یا واقعیت‌نما نوعی برنامه‌ی تلویزیونی یا اینترنتی یا نمایش خانگی است که وقایع آن بر اساس فیلم‌نامه‌ی قبلی پیش نمی‌رود و به جای اینکه داستانی تخیلی یا سناریویی از پیش تعیین شده داشته باشد اتفاقات واقعی زندگی انسان‌ها، مسابقات، رقابت‌ها، چالش و ماجراهای مختلف را نشان می‌دهد.

<sup>۱۳</sup> <https://podcasts.apple.com/ca/podcast/long-reads-macrons-rightward-march-w-bruno-amable> <sup>۸</sup>



---

<sup>۱۴</sup> [https://www.dissentmagazine.org/online\\_articles/progressive-neoliberalism-reactionary-populism-nancy-fraser/](https://www.dissentmagazine.org/online_articles/progressive-neoliberalism-reactionary-populism-nancy-fraser/)

<sup>۱۵</sup> <https://x.com/poltheoryother/status/1854125881716818003>

<sup>۱۶</sup> <https://nymag.com/intelligencer/article/barack-obamas-tiresome-condescension-toward-black-men.html>